

«نسیم برادری» وزیدن گرفت

۲

حضور قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی در دورهمی منتخبان دوره «بی‌نهایت»

افسران جبهه «جهاد تبیین»

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی، دوره تربیتی «بی‌نهایت» را بستری مناسب برای پیگیری منویات رهبر معظم انقلاب برشمرد و گفت: منتخبان دوره «بی‌نهایت» افسران جبهه جهاد تبیین هستند. به گزارش آستان‌نیوز، مالک رحمتی در دورهمی منتخبان دوره‌های مجازی «بی‌نهایت» که در مجتمع دانشجویی امام رضا(ع) برگزار شد، این طرح را دوره‌ای انسان‌ساز ارزیابی و اظهار کرد: این دوره تربیتی بسیار هوشمندانه، تخصصی، عمیق و با رعایت تمام جوانب طراحی شده و بدون شک دستاوردهای بسیاری به همراه خواهد داشت. رحمتی «کشف استعدادها و توانمندی‌ها»، «ایجاد تحول در ...»



ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال اول | ویژه نامه ۲۷۹

موعظه / آیت‌الله جوادان پای اراده بی‌نهایت شدت پایستی بی‌نهایت می‌شوی



تحقق زیارت مطلوب در گرو ترویج گفت‌مان «ادب حضور» و «میزبانی کریمانه»

ناصر مهدوی در «سوره» بیان کرد

«الهیات علوی» گمشده انسان امروز

اهدای مدال جهانی به موزه حرم

گپ و گفتی با خادم خیره «رویش» که برنامه‌اش هویت‌بخشی و کمک به استقلال خانواده‌های زیر پوشش است

رویش کارهای خیر

درباره زندگی و زمانه عالم نامدار عصر صفوی و مدفون در حرم رضوی

سیاست‌نامه‌های محقق سبزواری

به مشهد هجرت کرد و در کنار بارگاه منور رضوی، پس از احیای مدرسه باقریه در سال ۱۰۵۱ خورشیدی، به تدریس در آن پرداخت و سال‌هایی از عمر خود را در این شهر مقدس گذراند. ملامحمدباقر بعدها دوباره راهی اصفهان شد و در نهایت، در سال ۱۰۵۸ خورشیدی در ۷۱ سالگی در این شهر درگذشت.

تکاپو در عرصه فقه سیاسی

بی‌تردید باید محقق سبزواری را عالم و فقهی سیاسی بدانیم. او در طول حیات خود، به طور جدی وارد مسائل سیاسی شد. وی کتابی با عنوان «روضه الانوار عباسی» را خطاب به شاه عباس دوم صفوی تألیف و در آن، جایگاه دین در سیاست را تبیین کرد و به بحث درباره احکام سیاسی اسلام پرداخت. محقق سبزواری در این کتاب، بحثی تفصیلی و گسترده را درباره حقوق مردم در حکومت و تکالیف

محمدحسین نیکبخت

عصر صفوی، دوران شکوفایی و گسترش آثار علمی و فقهی مذهب شیعه است. دورانی که دانشمندان بزرگی همچون شیخ بهایی، میرداماد، علامه مجلسی و ملاصدرا در آن زیسته‌اند و آثار برخی از آن‌ها، شهرتی عالم‌گیر یافته است. در میان این دانشمندان برجسته، ملامحمدباقر محقق سبزواری جایگاهی ممتاز و ویژه دارد؛ فقیه و فیلسوفی برجسته که هم‌بحث و دوست صمیمی ملامحسن فیض کاشانی بود و افتخار حضور در محضر دانشمندان بزرگ و فقه‌های گرانقدر عصر صفوی را داشت. ملامحمدباقر در سال ۱۰۵۸ خورشیدی، در اصفهان پدرو حیات گفت و بیکرش را طبق وصیتش به مشهد آوردند و در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا(ع)، مجاور مقبره شیخ حر عاملی به خاک سپردند؛ محقق سبزواری از دوستان دیرینه شیخ حر عاملی بود. در کارنامه محقق سبزواری، افزون بر تربیت شاگردان بسیار برجسته‌ای مانند سیدعبدالحسین خاتون‌آبادی و آثار علمی درخور توجهی مانند «کفایه الاحکام»، مشی و روش سیاسی و اجتماعی خاصی نیز مشاهده می‌شود که او را از بسیاری علمای هم‌عصرش مجزا می‌سازد.

طلوع حکیم فقیه در افق خراسان

ملامحمدباقر محقق سبزواری در سال ۹۸۷ خورشیدی و در نیمه دوم دوران فرمانروایی شاه عباس یکم صفوی در روستای «نامن» که امروزه از توابع شهرستان داورزن در خراسان رضوی است، به دنیا آمد. در جوانی به حوزه علمیه اصفهان رفت و در درس علمایی همچون شیخ بهایی، میرفندرسکی و مجلسی اول حاضر شد و به فراگیری دانش‌های گوناگون پرداخت. همراهی و همگامی وی با بزرگان و حکمای مانند شیخ بهایی موجب شد محقق سبزواری، در فلسفه و علوم عقلی، سرآمد روزگار خود شود و بر الهیات شفای ابن‌سینا و شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی حاشیه بنزد. همین مسئله، دغدغه‌هایی را برای او به وجود آورد و بر تعداد بدخواهانش که عموماً از مخالفان بی‌منطق علوم عقلی بودند، افزود. هر چند که این افراد نتوانستند به جایگاه اجتماعی و فرهنگی محقق سبزواری، آسیبی وارد کنند، اما آنجا که رفتارهایشان مانع از گسترش فعالیت‌های علمی می‌شد، وی مدتی

شیوه حکومت‌داری خودداری نمی‌کرد و تا زمانی که در اصفهان حضور داشت و مسند شیخ‌الاسلامی را عهده‌دار بود، به این امر مهم اهتمام می‌ورزید. محقق توجهی ویژه به نهج‌البلاغه داشت و فرزندانش را به مطالعه و بررسی دقیق این کتاب ارزشمند وامی‌داشت. یکی از پسران او به نام ملامحمدمهدی، شرحی بر کلمات قصار امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه دارد که آن را در پنج باب و به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرده است. محقق سبزواری تأکید بسیاری بر انتخاب قضات از میان مجتهدان عالم، پاکدست و باتقوا داشت و برای تحقق این منظور، تلاش فراوانی می‌کرد. او اهل شعر و ادب نیز بود و برخی از اشعار به جا مانده از وی، نشان‌دهنده توانمندی‌های ادبی محقق سبزواری است. از شاگردان وی می‌توان به آقاحسین خوانساری، محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به سراب، میر



بی‌تردید باید محقق سبزواری را عالم و فقهی سیاسی بدانیم. او در طول حیات خود، به طور جدی وارد مسائل سیاسی شد. وی کتابی با عنوان «روضه الانوار عباسی» را خطاب به شاه عباس دوم صفوی تألیف و در آن، جایگاه دین در سیاست را تبیین کرد.

حاکم نسبت به آن‌ها، با استناد به آیات و روایات مطرح کرد که نشان از تسلطش بر این گونه مباحث دارد. وی به وجوب عینی نماز جمعه در دوران غیبت اعتقاد داشت و در این باره رساله‌ای هم نوشت. او از سوی شاه عباس دوم، منصب امامت جمعه و شیخ‌الاسلامی پایتخت را عهده‌دار شد و در این منصب، از نصیحت شاه و تذکرات دائمی به وی در حوزه‌های مختلف فقهی به ویژه فقه سیاسی و

محمدصالح خاتون‌آبادی، جمال‌الدین خوانساری و میرزا عبدالله افندی اصفهانی اشاره کرد. بسیاری از علمای بزرگ شیعه همچون شیخ حر عاملی، محمد بن علی اردبیلی، سیدعلیخان شیرازی، محدث قمی، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، سید محمدباقر خوانساری و سید جلال‌الدین آشتیانی در آثار خود به شخصیت و جایگاه علمی محقق سبزواری اشاره کرده و او را ستوده‌اند.

دست، چیزمیزی می‌نویسی فکر کردم این بیشتر به کارت بیاد. بااحترام، مدیریت.

اعتراف

کرونا، دیوانه‌ایست نشسته پیش رویت، بغل دست، روی مغزت، خرخرات، چشمت، نفست... وای اگر آدم‌های به دردبخور و مهربان در این لحظات به آدم اضافه نشوند!!

سنجاق

پیامبر اکرم(ص): سرآغاز خردمندی پس از ایمان به خدا، اظهار محبت با مردم است.

صفای عجیبی داشت حضورش. دستور توی مراسم نبود، آن قدر که گاهی یادمان می‌رفت او ارشد و رئیس است. می‌رفت روی چهارپایه و لامپ سوخته اتاقش را خودش عوض می‌کرد. حتماً قبل از خوردن داروهایش چند دقیقه‌ای نرمش می‌کرد. اعتقاد داشت سرحال که باشد اثر داروها بیشتر است. جورکش همه‌چیزها می‌ایستاد پای برکه‌های مرخصی. اگر همکاری جوکی تعریف می‌کرد و از قضا او هم شنونده‌اش می‌شد حتماً عکس‌العمل نشان می‌داد. حتماً به پهنای صورت می‌خندید و یک «آخیش!»

رقیه توسلی | پیام احوال‌پرسی فرستاده. مثل همیشه گرم. انگار که نشسته باشد روبه‌رویم. وسط دیوانه بازی‌های آمیکرون، لبم به خنده باز می‌شود و از ته دل ذوق می‌کنم. مدیر قبلی مؤسسه است. همان که تکیه کلامش این بود: «مخلصیم» و واقعاً هم بود. کم‌حرف‌ترین خانمی که دوروبرم می‌شناسم اما درجه یک ترینشان. گاهی که با تأخیر می‌آمد حتماً با کیسه‌ای پر از بیسکویت و چسب و باتری و آدامس و بسته‌های دستمال کاغذی می‌آمد که از بچه‌های دستفروش توی خیابان خریده بود.



بزرگ‌تر از آمیکرون

منبر مجازی

این عمار؟



حجت‌الاسلام قاسمیان | من نکته‌ای درباره عمار بگویم؛ واقعاً امروز باید گفت: این عمار؟ ... چهره‌های دیگر عمار را دیده و شنیده‌اید... دست به شمشیر است، پاکار علی(ع) و اهل بصیرت‌افزایی در جنگ صفین است. حال این چهره‌اش را هم ببینید؛ در نهج‌البلاغه، کلمات قصاری است که ذکر می‌کند عمار، روی فکر «مغیره بن شعبه» - از دشمنان خونی امیرالمؤمنین(ع) - کار می‌کند که او را به سمت امیرالمؤمنین(ع) برگرداند، در روایت آمده است: «و قد سبَّعَ بِرَأْسِ الْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ كَلَامًا»، یعنی حضرت وقتی شنیدند عمار با مغیره بحث می‌کند به او می‌گویند: «دعه یا عمار!» عمار! بس کن. این آدم را رها کن... این دیگر یار علی(ع) نمی‌شود و تعمدی دارد این کار را می‌کند تا شبهات را عذر لغزش‌هایش کند؛ خودش می‌فهمد دارد چه کار می‌کند. تو دیگر خودت را به خاطر مغیره خسته نکن. ولی به ویژگی عمار دقت کنید، دست از مغیره هم بر نمی‌دارد و می‌خواهد او را در سبب علی(ع) نگه دارد. امروزه عمارها کجا هستند؟ امروزه می‌گویند هر کس رادیکال‌تر و حزب‌اللهی‌تر است و هر چقدر آغوشش بازتر، بی‌اعتقادتر است. اینکه شما باید عمار باشید، یار علی باشید، جانتان را فدای سیستم کنید مهم است: «وعدالله الذین آمنوا... و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون» پس از حکومت اسلامی قواعد بازی عوض می‌شود، باید برای حکومت اسلامی خون دل بخوری. هر چقدر آغوشش بازتر باشد برای اینکه در سبب نظام، آدم وارد کند؛ این ویژگی عمارگونه است. یعنی در سبب علی(ع)، آدم وارد کند. این یک روی دیگر سکه عمار است. یک مقداری ما این آغوشمان را بازتر کنیم و خلاصه از مغیره هم نمی‌شود گذشت.

این بعد را ما باید دقت کنیم. در آیه شریفه «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم، حریص علیکم، بالمؤمنین رؤوف الرحیم» این آیه اختصاص به مؤمنین ندارد، چون مؤمنین را جدا می‌کند بعداً می‌آورد. اینکه اگر خار در چشم رسول‌الله برود باز هم برای هدایت مردم حریص است... نه اینکه فقط برای هدایت مؤمنین این گونه باشد، برای هدایت توده‌ها هم چنین است، این همان ویژگی از پیغمبر(ص) است که باید به آن تمسک داشته باشیم.

